

زندگی شاید...

دانشگاه های دوران دانشجویی

محمد مبارزاده ایزدی

سرشناسه : جبارزاده، محمد، ۱۳۶۴ - [شاعر]

عنوان و نام پدیدآور : زندگی شاید... / محمد جبارزاده.

مشخصات نشر : اردبیل: پارلاق یازی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۱۰۳ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۹۸-۰۰-۱

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : شعر فارسی — قرن ۱۴

رده بندی کنگره : ۱۳۹۲ ب ۹/۳ / PIR۳۳۹

رده بندی دیویی : ۱/۶۲۶۸

نمونه ثبت ملی : ۳۳۳۴۷۷۰

پارلاق یازی

تلفن: ۰۴۵۱۲۳۵۳۵۷۲۰۱
E-mail: negin_chap@yahoo.com

زندگی شاید...

سروده: محمد جبارزاده ایوریق

چاپ و حاف

سازمان چاپ و نشر کسب و کار

(۰۴۵۱-۲۲۴۰۶۱۴)

لیتوگرافی: نقش و نگار

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۹۸-۰۰-۱

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۲

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

بهاء ۵۰۰۰۰ ریال

شروع و ی تو بود.....	۱
در تمنای مجربانی.....	۲
سفیر سفیر.....	۳
من بر آنم.....	۴
از تو آموختم.....	۵
از میان همدی دیوارها.....	۶
افسانه‌ی بودن.....	۷
اتفاق با دور دور.....	۸ و ۹
بمن می‌نو که می‌دانی یک.....	۱۰
کاش می‌دیدی ششم.....	۱۱
آسمان.....	۱۲ و ۱۳
به درد زلم.....	۱۴
بزم من منی.....	۱۵
برای با تو بودن.....	۱۶
آیین آینه.....	۱۷
باور پرواز.....	۱۸
باران می‌بارید.....	۱۹
برای تمام فصول.....	۲۰
برفها.....	۲۱
بگذرید.....	۲۲ و ۲۳
به تو هر دم من اندیشم.....	۲۴
بی تو سرور.....	۲۵
بیا اندیشه را از تو بسازیم.....	۲۶
بیا با من کو امشب.....	۲۸ و ۲۹
بیاد ای غراونرم.....	۳۰

۳۱.....	پروانه و شمع.....
۳۲.....	تلفظ.....
۳۳.....	تمام بوزنم از تو.....
۳۴.....	تو که من می‌کردی.....
۳۵.....	چند وقتیست دلم بی تو شده.....
۳۶.....	حضور بی حضور.....
۳۷.....	خانه‌ای خواهم ساخت.....
۳۸.....	فراوانرا تو خود گفتی.....
۳۹ و ۴۰.....	اخم فیت.....
۴۱.....	خواب.....
۴۲.....	این استخفاف هر شب.....
۴۳.....	در تکتان تا در بانی‌ها.....
۴۴.....	کوله بی.....
۴۵ و ۴۶.....	در میان تنهایی.....
۴۷.....	دیوار حقایق‌ها.....
۴۸.....	در دل با دل.....
۴۹ و ۵۰.....	یار دبستانی.....
۵۱ و ۵۲.....	دقت زندگی.....
۵۳.....	دل آرام.....
۵۴.....	دل من و فدای من.....
۵۵.....	دلم هر شب هوای بوزن با تو به سر دارد.....
۵۶.....	دور خواهم شد دور.....
۵۷ و ۵۸.....	و فردا روز رفتن.....
۵۹ و ۶۰.....	روز رفتن امروز.....
۶۱ و ۶۲.....	زندگانی هارپست.....
۶۳.....	سرلازه.....
۶۴.....	سکوت تلخ.....

۶۵.....	زندگی مثل نسیم.....
۶۶.....	سرود زندگی.....
۶۷.....	سبب سرخ.....
۶۸.....	شب‌ها میان غایت.....
۶۹.....	عاشقانه‌ای برای تو.....
۷۰.....	عذارچم.....
۷۱.....	شب‌های بی تو بودن.....
۷۲.....	زندگی یعنی همین لحظه‌ی بودن.....
۷۳.....	غروب غربیانه.....
۷۴.....	فرمان.....
۷۵.....	زندگی یعنی کنار مدرج.....
۷۷.....	باز.....
۷۸.....	قیامت.....
۷۹.....	کاش یک لحظه.....
۸۰.....	ز من می‌توانی.....
۸۱ و ۸۲.....	کعبه‌ای از گل احساس.....
۸۴.....	گاهی کم می‌شوم.....
۸۵.....	لحظه به لحظه بودن.....
۸۶.....	لیلة الرغائب.....
۸۷.....	من اگر سرد و یخ.....
۸۹ و ۹۱.....	کلاغ.....
۹۰.....	مسرت و پریشان.....
.....	منم تنها از تنوا.....
.....	میان کوچه‌ها.....
.....	نمی‌گویم چرا رفتی.....
۹۵ و ۹۶.....	می‌ترسم عادت کنم.....

آغازینه

دفتری که در دست دارید، فارغ از نوع نوشته و ادبیات بکار رفته در آن،
دانشجوهای دوران دانشجویی ام هست که تک تک آنها، خاطراتم را گره
پس زند به گوشه گوشه‌ی زندگی ام، زندگی پر تشیب و فرازی که مملو بود
از لغظات شادی و غم، فوب و بد، زشت و زیبا و...

و من هم به دست نفواستم که برای نوشتن، خودم را اسیر واژگان کرده و با
تک تک آنها بازی کنم. اما آنچه که در این نگاشتن برایم مهم بود، نفس
نوشتن بود و اینکه لاف‌ها بتوانم برفی از خاطرات دلم را مکتوب کنم.

پس دفتر، هر چند کوچک، برای من تکیه‌گاهی است از زندگی ام، اما بسیار فرسند
فواهم بود که عزیزان من شده نظرات اصلاحی خود را برایم ارسال
کنند.

امید که این شالوده مورد لطف تمامی خوانندگان من واقع شده و بتواند
نقطه‌ای از زندگیشان را پر کند.

و امید...